

## جعبه ابزار نظریه و امکان درک مفاهیم سیاسی

علی اشرف نظری\*

### چکیده

نظریه به عنوان «رویکرد» به مثابه جعبه ابزاری برای ساختن و آزمون تجربی پرسش‌ها و مفاهیم مورد نظر قرار می‌گیرد. در دهه‌های گذشته، بحث درباره جایگاه نظریه همواره محل مباحثه و مناظره فکری بوده است. آیا نظریه وجود دارد و اساساً ماهیت نظریه چیست؟ این که چگونه می‌توان نظریه را عنوان جعبه ابزاری فراگیرتر برای مداخله در فرهنگ‌های معاصر مورد توجه قرار داد و چه کاری را می‌توان با آن انجام داد؟

محور اصلی بحث، نقد و ارزیابی در مقاله حاضر، کتاب *جعبه ابزار نظریه: مفاهیم اساسی در علوم انسانی، علوم اجتماعی و هنر* عنوان اثری است. ایده اصلی کتاب این است که بر اساس اندیشه ژیل دولوز، نظریه به مثابه جعبه ابزاری برای ساختن و آزمون تجربی پرسش‌ها و مفاهیم مورد نظر و به عنوان ابزاری فراگیرتر برای مداخله در فرهنگ‌های معاصر مورد توجه قرار گیرد. این کتاب توسط جفری نیلوم و سوزان سرلز ژيرو نوشته شده و در سال ۲۰۱۲ از سوی انتشارات Rowman & Little field به زبان انگلیسی چاپ شده است. این کتاب در سال ۱۳۹۶ توسط عباس لطفی زاده و مرتضی خوش‌آمدی به زبان فارسی ترجمه شده و از سوی انتشارات ققنوس در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** نظریه، سیاست، قدرت، ایدئولوژی، چند فرهنگ‌گرایی.

\* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران، aashraf@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

## ۱. مقدمه

کتاب *جعبه ابزار نظریه: مفاهیم اساسی در علوم انسانی، علوم اجتماعی و هنر* (The Theory Toolbox: Critical Concepts for the New Humanities) عنوان یکی از آثار است که در حوزه نظریه و کارکردهای آن نوشته شده است. این اثر توسط دو تن از نویسندگان کمتر شناخته شده در ایران، «جفری نیلون» (Jeffrey T Nealon) و «سوزان سولز ژيرو» (Susan Searls Giroux) نوشته شده است. نیلون استاد انگلیسی و فلسفه در Edwin Erle Sparks و نویسنده آثاری نظیر *خوانش دوگانه: پیامدرنیسم پس از شالوده‌شکنی* (۱۹۹۳)، *بازاندیشی در مکتب فرانکفورت* (۲۰۰۲) و *پیامدرنیسم: منطق فرهنگی سرمایه‌داری در زمانه کنونی* (Post-Postmodernism; or, The Cultural Logic of Just-in-Time Capitalism) (۲۰۱۲) و سولز ژيرو استاد مطالعات فرهنگی و ادبیات انگلیسی در دانشگاه مک‌مستر همیلتون اونتاریو و نویسنده کتاب‌های *در میانه نژاد و منطق: خشونت، مسئولیت فکری و آینده دانشگاه* (Between Race and Reason: Violence, Intellectual Responsibility, and the University to Sites of Race: ) (۲۰۱۰) و *موقف‌های نژادی: گفتگو با دیوید تئو گلدبرگ* (Conversations with David Theo Goldberg) (۲۰۱۴) است (نیلون، ۲۰۱۹ و سولز ژيرو، ۲۰۱۹).

## ۲. معرفی اثر

کتاب *جعبه ابزار نظریه* را می‌توان در زمره آثاری مقدماتی برای آشنایی با روندها و مکاتب نظری یا سیری در آثار مربوط به نقد [گرایی] جدید (New Criticism)، ساختارگرایی، فمینیسم، پساساختارگرایی، ساخت‌زدایی [شالوده‌شکنی] (Deconstruction)، مطالعات فرهنگی و پسااستعمارگرایی نیست، بلکه می‌کوشد تا نظریه را به عنوان «رویکرد» مدنظر قرار دهد. به این معنا که چگونه می‌توان نظریه را عنوان جعبه ابزاری فراگیرتر برای مداخله در فرهنگ‌های معاصر مورد توجه قرار داد و دریافت که چه کاری را می‌توان با آن انجام داد؟ این تعبیر از نظریه در اندیشه «ژیل دولوز» محوریت دارد که برپایه آن نظریه نه به عنوان فهرستی از روش‌هایی که باید انتخاب شوند و به صورت مکانیکی و نیندیشیده به کار گرفته شوند، بلکه به مثابه جعبه ابزاری برای ساختن و آزمون تجربی پرسش‌ها و مفاهیم مورد نظر قرار می‌گیرد (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۲۲). از این رو،

نیاز شما به نظریه از این باب نیست که مجبورید در حوزه معینی تخصص پیدا کنید یا انواع خاصی از مقالات را چاپ کنید، بلکه نیاز شما به نظریه دقیقاً برای آن است که کاری برای شما انجام می‌دهد (و اگر شانس داشته باشید، کاری روی شما انجام می‌دهد)؛ نظریه به شما ابزارهایی برای مداخله می‌دهد که بدون نظریه دسترسی به آنها ممکن نیست (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۲۰).

## ۱.۲ درک جایگاه نظریه

عنوان فصل نخست کتاب، با یک پرسش مهم آغاز می‌شود: چرا نظریه؟ پرسشی که در هفت دهه گذشته همواره محل مباحثه و مناظره فکری بوده است. پرسش‌هایی نظیر این که آیا نظریه وجود دارد و اساساً ماهیت نظریه چیست؟ چرا باید به نظریه پرداخت؟ در ابتدای بحث، دوگانه انتزاع/کنش مورد نظر قرار می‌گیرد و نظریه در رابطه با امر انتزاعی مورد نظر قرار می‌گیرد. این که چگونه برخی بر این باورند که نظریه در رابطه با امور انتزاعی، پوچ و دشوارفهمی است که از به معنای دقیق آن نسبتی با عمل مردم ندارد. نگرشی به نظریه که مطالعه آن را مایوس کننده می‌داند و عوارض آن در این پیام هشدارآمیز منعکس می‌شود: «مراقب باشید! انتزاعات [انتزاعیات] پوچ و دشوارفهم از راه می‌رسد، بدون مثال‌های ملموس که آن‌ها را تأیید یا روشن کند» (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۵).

ریشه چنین تصویری از نظریه به پوزیتیویسم باز می‌گردد که با طرح انگاره «حقیقت به مثابه تناظر واقعیت» (Truth as correspondence) -تنها چیزهایی که واقعیت دارند و می‌توان آنها را به نحوی عینی- انضمامی مشاهده کرد، حقیقی هستند- و تأکید بر جدایی سوژه (مشاهده‌گر) و ابژه (موضوع مشاهده)، مانعی نظری بر سر راه تفکر بازتابی بود. در چارچوب رهیافت پوزیتیویستی تصور بر این بود که با کاربست مناسب تکنیک‌ها و طرح پژوهش، پژوهشگران می‌توانند جهان را «همان گونه که واقعاً هست» (as it truly is)، توصیف کنند. به طور کلی، انگاره تناظری واقعیت، دستیابی به «دانش معتبر» (reliable knowledge) را «فرایندی بدون سوژه» (process without a subject) توصیف می‌کرد (Neufeld, 1991: 2-3). استقرا به عنوان منطق پوزیتیویسم ابتدا در در دیدگاه‌های «فرانسیس بیکن» (Francis Bacon) (۱۶۲۰) و سپس در آرا و نظریات «جان استوارت میل» (John Stuart Mill) (۱۸۷۹)، «امیل دورکیم» (Émile Durkheim) (۱۸۹۷) و «هانس رایشنباخ» (Hans Reichenbach) (۱۹۳۰) منعکس شده است. اندیشه اصلی استقراگرایی بر این ایده

مبتنی بوده که علم از مشاهده آغاز می‌شود و مشاهدات به تعمیم (ارائه قانون و نظریه) و پیش‌بینی می‌رسد. دانشمند خوب با پیروی از «روش استقرایی»، کارش را با مشاهدات دقیق و متنوع آغاز می‌کند و سپس با کمک داده‌های جمع‌آوری شده، به تعمیم و پیش‌بینی روی می‌آورد. این هم از ویژگی‌های استقراگرایی است که به واسطه آن استدلال بر اساس واقعیات و فرایندی روشمند به دست می‌آید و با خطا دانستن نظریه‌پردازی پیش از گردآوری داده‌ها، نظریه‌پردازی در غیاب داده‌ها را محکوم می‌کند. در واقع، بیکن چنین روشی را پیشی گرفتن یا پیش‌دستی (Anticipations) بر طبیعت نامیده و آن را در مقابل روش استقرایی خویش که آن را تفسیر طبیعت خوانده است، عجولانه و نارس می‌داند (گیلیس، ۱۳۹۰: ۲۲).

نیلوم و سرلز ژیرو با زیر سؤال بردن چنین نگرشی به نظریه معتقدند که هر چند پرسش‌های نظری ممکن است دشوار یا به ظاهر انتزاعی باشند و حتی مانع از انجام دادن آسان عمل شوند، [اما] چنین موانعی اغلب اوقات لازم و به واقع با ارزش‌اند. به چالش کشیدن «واقعیت طبیعی» سرآغاز مواجهه با چهره متفاوت رویدادهاست» (نیلوم و سرلز ژیرو، ۱۳۹۶: ۱۸). از این منظر، چیزی به نام واقعیت ناب یا محض وجود ندارد و مسئله مهم در این وضعیت، توجه به چگونگی درک و نحوه دستیابی به معانی موجود در متن واقعیت‌های اجتماعی و مجموعه‌ای بافت‌های موقعیت‌مند است. به تعبیری فنی‌تر می‌توان گفت که با لایه لایه و پیچیده بودن مسائل انسانی، همواره در حال «تفسیر مضاعف» هستیم و انسان موجودی در حال تفسیر مداوم و موضوع تفسیر قرار گرفتن است. در نتیجه، ارتباط پژوهشگر (سوژه) و مسئله پژوهش (اُبژه) برای فهم عمیق موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد و در پژوهش، رویکردی نظریه‌محور (Theory Laden) و مبتنی بر کشف معنا دنبال می‌شود (نظری، ۱۳۹۷: ۳۵). بنابراین، مسئله دیگری که در این فصل مورد توجه قرار گرفته است، بیان موضع نظریه در قالب این گزاره است که «هیچ چیزی را نباید از روی ظاهر پذیرفت؛ هر چیزی محل تردید است» (نیلوم و سرلز ژیرو، ۱۳۹۶: ۱۹).

## ۲.۲ جایگاه مؤلف

مؤلف و اقتدارش، عنوانی است که برای فصل دوم انتخاب شده است. مؤلف چیست؟ پرسشی است که موضوع اولیه بحث است. مؤلفان خالق شاهکارهایی در حوزه‌های فلسفه، تاریخ، جامعه‌شناسی، ادبیات و رشته‌های دیگر و همچنین فیلمسازان و هنرمندان تجسمی

هستند که می‌توان جملگی آنها را تولیدکنندگان فرهنگی دانست. واژه «author» ابتدا بیشتر به یک فعل نظیر تألیف گزارش، انشای رأی و نوشتن فهرست خرید یا نامه‌های شخصی اشاره دارد، اما برای این که از فعل به اسم تغییر یابد، پیوندی عمیق با مسئله مقبولیت و توجه عالمانه دارد.

برای این که به مؤلفی در معنای مقبول تبدیل شوید، باید واژه مؤلف به معنای واقعی کلمه (واجد اقتدار و مرجعیت) در مورد شما به کار گرفته شود، باید جدی گرفته شوید و حتی به خاطر دستاوردهایتان مورد احترام واقع شوید... در نتیجه چنین فرایندی است که مثلاً جیمز جویس مؤلف به شمار می‌رود، حال آن‌که استیون کینگ مؤلف باقی می‌ماند (نیلوم و سرلز ژیرو، ۱۳۹۶: ۲۶).

اما در این میان، جایگاه مؤلف ممکن است از همان ابتدا دارای مقبولیت نبوده باشد و در برهه زمانی‌ای که می‌زیسته‌اند، واقعاً ناشناخته باقی مانده و حتی تحقیر شده‌اند (نیلوم و سرلز ژیرو، ۱۳۹۶: ۲۸).

مسئله مهم دیگری که در رابطه با مؤلف می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، معنای متن و جایگاه مؤلف در این زمینه است. این که منظور و مقصود مؤلف چیست؟ آیا او تلاش کرده که اثر به گونه‌ای خاص فهمیده شود؟ آن‌چه که می‌تواند موجب بغرنج‌تر شدن مسئله شود این است که مؤلف همواره نمی‌تواند در دسترس باشد و برای تعیین معنای نهایی اثر خویش غایب است. همچنین ممکن است متن دارای قابلیت‌هایی باشد که آن را واجد معانی چندگانه‌ای کند. بنابراین، «اگر واقع‌بینانه بنگریم روشن است که معنا منحصرراً وابسته به نیت مؤلف یا برآمده از آن نیست... همان‌گونه که «پل استر» (Paul Auster) در رمان خویش، *لویاتان*، می‌نویسد: «کتاب چیز اسرارآمیزی است... همین که منتشر شود، هر چیزی ممکن است رخ دهد. می‌تواند منشأ هر شری شود و کاری هم از دست شما برنمی‌آید. بد یا خوب، کاملاً از کنترل شما خارج است» (نیلوم و سرلز ژیرو، ۱۳۹۶: ۳۲).

تا پیش از سده هجدهم، مؤلف نقش مهمی در اعتبار بخشیدن به متون علمی داشت. فوکو می‌نویسد: «عباراتی چون "بقراط می‌گوید..." یا "پلینوس روایت می‌کند که..." صرفاً قواعدی برای استدلال‌های نقلی معطوف به اقتدار مؤلف نبود؛ ... گفتارهایی بود که می‌بایست حقیقت مبرهن دانسته شوند» (نیلوم و سرلز ژیرو، ۱۳۹۶: ۳۳). اما از قرن هجدهم، متون علمی بیش از پیش بر مبنای شایستگی‌شان پذیرفته و در حکم حقیقت مبرهن شناخته شدند، بی‌آن‌که به مؤلف‌شان ارجاع داده شوند. بنابراین، با «مرگ مؤلف» و باز بودن امکان

فهم متن به روی خوانندگان، دیگر پرسش این نیست که «معنای مورد نظر مؤلف چیست؟»؛ بلکه پرسش این است که «متن واجد چه معانی‌ای است؟». در نتیجه، معنا همیشه لغزنده‌تر و متنوع‌تر از نیت‌های مؤلف بر ساخته می‌شود و امکان شکل‌گیری گفتمان‌های متکثر وجود دارد (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۳۴-۳۵).

## ۳.۲ خوانش متن و تفسیر

فصل سوم با عنوان خوانش (Reading)، به بحث درباره‌ی این می‌پردازد که اگر حق انحصاری معنا از آن مؤلف نیست، چه کسی این حق را دارد؟ با مرگ مؤلف، خواننده متولد می‌شود و اوست که با تفسیر فعالانه تعیین کننده معنا خواهد بود. آن چه که در این وضعیت اهمیت دارد، تفاسیری است که وجود دارد نه آنچه که مؤلف مهم می‌پندارد. اما غایت چنین نگرشی، سلطه مطلق خواننده با جای مؤلف و دامن زدن به نوعی نسبی‌گرایی افراطی خواهد بود که بر اساس آن به تعداد خوانش‌های موجود، تفاسیر متنوع وجود دارد. این به معنای نوعی نسبی‌گرایی افراطی است که در آن همه تفاسیر -ولو بی اساس و احمقانه- از اعتبار و ارزش برابری برخوردارند (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۳۹-۴۰).

بنابراین، برای تفسیر متن باید به این اصل قائل بود که تفسیر نوعی فرایند تبادل و مباحثه در درون بافت‌هایی است که در آن متن خلق و خواننده می‌شود نه منحصر به اندیشه‌های خاص مؤلف یا خواننده. زیرا زبان پدیده‌ای اجتماعی است و گستره ظرفیت معانی به بافت‌های اجتماعی بستگی دارد. چنان که سوسور تصریح کرد رابطه میان دال (واژه)، مرجع آن (شیء) و مدلول (معنا) بر اساس نوعی رابطه اختیاری (Arbitrary) است. برای مثال، درخت در همه فرهنگ‌ها به چیز یکسانی دلالت نمی‌کند. در فرهنگ درویدها بیانگر الوهیت، در فرهنگ سودگرایی، بر سود و منفعت و در فرهنگ ساحل‌نشینان به سایه دلالت می‌کند (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۴۳-۴۴). بنابراین، «خوانش پروژه حفاری نیست که طی آن خواننده بکوشد باکنار زدن معانی اجتماعی نامعتبر، به ذات اصیل یا متافیزیکی کلمه دست یابد، بلکه بیشتر تبادلی است میان دال‌ها و مدلول‌هایی که به لحاظ اجتماعی [با هم] مرتبط‌اند» (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۴۸).

## ۴.۲ سوژکتیویته و ابژکتیویته

سوژکتیویته عنوانی است که برای فصل چهارم انتخاب شده و نویسندگان تلاش دارند تا نگاه دقیق‌تری به خواننده و بافت تاریخی - اجتماعی او بیندازند. سوژکتیویته در این جا به شخص و تفاسیر و عقاید او مربوط است و در مقابل، ابژکتیویته را معمولاً برای ارجاع به یک واقعیت به کار می‌بریم (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۵۴). در ادامه، تقدم امر سوژکتیو بر امر ابژکتیو و این گزاره که واقعیت‌ها همواره وابسته به تفسیرهای سوژکتیو هستند مورد نظر قرار می‌گیرد. زیرا، هویت سوژه به معنای جمعی آن دارای ابعادی نهادین شناسایی جمعی است که به عنوان «شیوه بودن» و در عین حال «شیوه انجام کارها» نیز می‌باشد. شناسایی دوجانبه میان خود و دیگری بحث اصلی نظریه‌های سوژکتیویته است که در رهیافت‌های پدیدارشناختی، ساختگرا، اگزیستانسیالیستی، پساساختگرا و حتی پست مدرن بازتاب یافته است. به تعبیر بهتر، «هویت شناخت خود با توجه به بنیادهای خاص و شناساندن خود بر اساس آن بنیادها به دیگران است» (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۱). «خود» هر شخص از طریق نوعی فرایند انعکاسی تکوین می‌یابد و به واسطه بازتابی بودن هویت، تصور ما از این که دیگران چگونه به ما می‌نگرند، بسیار حائز اهمیت است (Calhoun, 1998: 178). سوژه در این جا نه به مثابه یک موجودیت منفرد، بلکه وابسته به مقوله‌های اجتماعی و فرهنگی است و به شناسایی از سوی دیگران وابسته است (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۶۲). «دایانا فاس» در کتاب خویش با عنوان «وراق هویت یابی خاطر نشان می‌سازد که تعیین هویت همواره بر اساس مناسبات مبتنی بر تفاوت صورت می‌پذیرد. به زعم وی، هویت‌یابی به مثابه فرایندی است که هر کس خود را از طریق دیگری در حیطه مناسبات اجتماعی و در پرتو بازی تفاوت و تشابه در مناسبات خود - دیگری تعریف می‌کند (Fass, 1995: 8-19). در واقع، «دیگران به این اکتفا نمی‌کنند که هویت ما را درک کنند، بلکه در عین حال به طور فعالانه‌ای آن را می‌سازند» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۵۶).

بنابراین، سوژه همواره تابعی از زبان، فرهنگ و نهادهایی است که سوژه را بر می‌سازند و به تعبیر «آلتوسر» می‌توان آن را «استیضاح» نامید. «به عبارت دیگر، فرد به اصطلاح منحصر به فرد همواره به واسطه مقوله‌های اجتماعی عام دولت مدرن - کارگر یا کارفرما، زن یا شوهر، پسر یا دختر، دانش‌آموز یا کارآموز و غیره - خود را تعریف می‌کند و تعریف می‌شود» (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۶۷). سوژه هیچ راه فراری برای رسیدن به آزادی کامل

ندارد و همواره تحت تأثیر فرهنگ و محیط پیرامون مان هستیم. «شاید بتوان نتیجه‌گیری کرد که فرهنگ‌ها سوژه را خلق می‌کنند» (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۷۰).

## ۵.۲ سوژه و فرهنگ

فصل پنجم با عنوان فرهنگ، به بحث درباره فرایند معنایابی در درون بافت فرهنگی‌ای که در آن زندگی می‌کنیم می‌پردازد. این که هیچ معنای متافیزیکی یا فراطبیعی وجود ندارد و نویسندگان، خوانندگان و سوژه‌ها همواره در درون یک بافت فرهنگی حادث [پدیدار] می‌شوند (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۷۵). فرهنگ در این فصل در چارچوب دو تعبیر به معنای «شیوه تام زندگی» در رابطه با مصنوعات فرهنگ والا، مناسک، نهادها، رفتارها، اعمال روزمره و به معنای «فرهنگ والا»، یعنی آن دست از مصنوعات و دستاوردهایی که نمودی است از بهترین گفته‌ها و اندیشه‌های بشر مورد نظر قرار می‌گیرد.

تعامل میان سوژه و فرهنگ ماهیتی دوجانبه دارد و به همان اندازه که سوژه‌ها بر فرهنگ‌ها تأثیر می‌گذارند، فرهنگ هم بر سوژه‌ها اثرگذار است. همچنین، اموری که بر ما به عنوان سوژه تأثیر می‌گذارد همواره چندگانه است. سوژکتیویته ما از فرهنگ ما تأثیر می‌پذیرد و از آن‌جا که فرهنگ ما هرگز همگن نیست، سوژکتیویته ما نیز الزاماً و از ابتدا «چندفرهنگی» (Multicultural) است (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۷۶-۷۹). تعبیری که نویسندگان از چندفرهنگ‌گرایی ارائه می‌دهند مبتنی بر این فرض است که پروژه چندفرهنگ‌گرایی نه تلاشی است برای گردهم‌آوردن آدم‌ها زیر چتر یک «مای» بزرگ همگن و نه تلاشی است برای جداسازی مردم بر اساس مرزهای نژادی، قومی، طبقاتی، مذهبی، یا گرایش جنسی. بلکه ناظر بر تمایز میان فرهنگ ما/ آنها است که بر پایه سیاست حذف و طرد، برخی افراد و گروه‌ها را به حاشیه می‌راند (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۸۴).

در ادامه این فصل، گستره و قدرت فرهنگ رسانه‌ای (Media Culture) در رابطه با نحوه روایت سوژکتیویته، جهان، چگونگی عملکرد آن و جایگاه ما در آن مورد توجه قرار گرفته است. این که ما چگونه جریان نشانه‌ها -واژه‌ها و تصاویر- را همچنان که در گردش و حرکت است، تبادل و تفسیر می‌کنیم. فناوری‌های جدید برای ما دانش بدیل می‌سازند، جامعه می‌سازند، به کاربرن قدرت می‌دهند، و تغییرات بنیادین به وجود می‌آورند و در برخی موارد حتی انقلاب‌های واقعی به راه می‌اندازند. برای مثال، نقشی که شبکه‌های اجتماعی در قیام‌های تونس و مصر در سال ۲۰۱۱ و دیگر جنبش‌های منطقه‌ای ایفا کردند.



متأثر از نقش آفرینی رسانه‌های جدید، مجله تایم در اوایل دسامبر ۲۰۰۶، «شما» را به عنوان چهره سال برگزید (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۰۸).



اما این همه واقعیت نیست و اغراق درباره نقش آفرینی رسانه‌ها با شکسته شدن «حباب رسانه‌ای» (Media Bubble) و خدشه به «آرمان‌گرایی سایبری» (Cyber-Utopianism) همراه شده است. چنان که در جریان وقایع مصر در سال ۲۰۱۱ فقط بیست درصد جوانان و گروه‌هایی که کم‌وبیش با وسایل ارتباطی سروکار دارند، به اینترنت دسترسی داشتند. «ریچارد انگل» خبرنگار شبکه ام‌اس‌ان‌بی‌سی گزارش کرد: «این قضیه هیچ ربطی به توییتر و فیس‌بوک ندارد. به منزلت مردم ربط دارد، به غرورشان، مردم قادر به سیر کردن شکم بچه‌هایشان نیستند» (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

## ۶.۲ نقش ایدئولوژی

عنوان فصل ششم، ایدئولوژی است که تلاش شده است به تبیین مفهوم ایدئولوژی پرداخته شود. تعبیر خلاقانه‌ای که از ایدئولوژی ارائه شده است چنین است: «ایدئولوژی مطالعه مادی چیزهای غیر مادی یا همان ایده‌هاست» (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۱۳). مفهوم ایدئولوژی در ابتدا توسط ناپلئون به صورتی موهن و تحقیرآمیز و در اشاره به افراد خیال-باف و هپروتی به کار رفت که سعی می‌کنند تا ایده‌های انتزاعی خود را به جای واقعیت-

های آشکار قالب کنند. گفتمان قرن نوزدهمی مارکسیسم نیز با طرح مفهوم «آگاهی کاذب» (False Consciousness) از ضرورت اقدام انقلابی برای برانداختن جوامع طبقاتی و غلبه بر ایدئولوژی و چارچوبهای ایدئولوژیک در جامعه بی‌طبقه سخن می‌گفت.

ایدئولوژی را باید به مثابه شبکه یا اجماعی از ایده‌های به هم‌بسته، به یک معنا منشأ گفتمان‌های فرهنگی و هم محصول آنها دانست. نوعی فهم متعارف که اعضای یک فرهنگ، ملت یا گروه در آن شریک‌اند. ایدئولوژی با ایجاد نوعی تعهد و سرسپردگی، احساس برتری بر دیگران به ما می‌دهد و «به ما امکان می‌دهد که بگوئیم که ارزش‌های ما بهتر از ارزش‌های دیگران است. ایدئولوژی ما را اغوا می‌کند تا فراموش کنیم معنا همواره در یک بافت روی می‌دهد» (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۳۳). بنابراین،

ایدئولوژی به صورت سلسله مراتب ارزش‌ها و باورهایی جلوه‌گر می‌شود که اثر بخشی آنها در هدایت کنش انسان به این بستگی دارد که تا چه اندازه در افراد تبلور درونی بیابند. مفاهیمی چون «باورهای همگانی»، «چارچوب خودآگاهی»، و «پیچیدگی فرهنگی و فکری» به منظور توجیه شیوه خاصی مطرح می‌شوند که ایدئولوژی برای پیوندهای اجتماعی تعیین هدف نهایی و تضمین اتفاق نظر اجتماعی بدان عمل می‌کند (نظری و سازمند، ۱۳۸۵: ۳۱).

## ۷.۲ مفهوم تاریخ

در فصل هفتم، مفهوم تاریخ مورد توجه قرار گرفته است. تاریخ، ثبت و ضبط اموری است که رخ داده است، آرشیوی است از مهم‌ترین و محوری‌ترین رویدادهای مربوط به گذشته. بنابراین، معمولاً منظور از تاریخ، بازسازی رویدادهای واقعی به همان نحوی است که رخ داده است. تاریخ‌نگاران در پی کاوش و کشف مصنوعات گوناگونی مانند اسناد، کتیبه‌ها، سنت‌ها، رسوم فرهنگی، نهادها و .. هستند که حاوی اطلاعاتی حیاتی درباره گذشته است. اما تاریخی اندیشی همیشه کار ساده‌ای نیست و تاریخ بافتی است که تفسیر در چارچوب آن رخ می‌دهد، اما خود تاریخ نیز همواره باید تفسیر شود. تصاویری مربوط به گذشته که که شفاف و واضح نیست و باید آنها را رمزگشایی کرد. والتر بنیامین در جایی گفته بود «گذشته را فقط می‌توان مثل تصویری دید که یک لحظه ظاهر می‌شود و فقط همان لحظه قابل درک است و هرگز دوباره دیده نمی‌شود» (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۴۲-۱۴۱).

آن چه در این میان، امکان فهم تاریخ را پیچیده‌تر می‌کند روایت‌هایی است که از آن ارائه می‌شود. نوعی بازنمایی که از طریق کلمات، تصاویر و نمادها ارائه می‌شود و تفاسیر کاملاً متفاوتی از واقعیت ارائه می‌شود. چنان که گزارش‌های تاریخی از بمباران هیروشیما و ناگازاکی می‌تواند به عنوان حمله تلافی‌جویانه، ضروری و استراتژیک در نبرد جهانی میان خیر و شر توصیف شود، یا به عنوان اقدامی احمقانه و وحشتناک نشان داده شود که در نتیجه آن صدها هزار انسان بی‌گناه کشته شدند (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۴۲-۱۴۴). به تعبیر هاوارد زین:

تاریخ... می‌تواند ما را مقید کند یا رهایی ببخشد. می‌تواند با نشان دادن دنیا به ما از نگاه مرفهان بی‌درد، رحم و شفقت را از بین ببرد... می‌تواند با بیان کوهی از چیزهای بی‌اهمیت، با سوق دادن ما به بازی‌های روشنفکری، با «تفسیرهای» متظاهرانه‌ای که تفسیر را برمی‌انگیرند و نه عمل را، با محدود کردن افق دید به داستان بی‌پایان مصایب و مآلاً ترویج انزوای بدبینانه، و با فروردن ما در اغتشاش دانشنامه‌ای کتاب‌های درسی مرسوم، هرگونه اراده برای عمل را سست و بی‌اثر سازد (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۵۴).

## ۸.۲ کنترل فضا/زمان

در فصل هشتم با عنوان *فضا/زمان*، تلاش می‌شود ماهیت عمیقاً اجتماعی فضا و مکان مورد توجه قرار گیرد. این که چگونه تجربه زمان به واسطه فرایندهای اجتماعی شکل می‌گیرد. این که چگونه توانایی کنترل زمان و فضای خود با دیگران می‌تواند موجب قدرت اجتماعی شود. چنان چه برای سنجش قدرت اجتماعی در جوامع سرمایه‌داری پیشرفته به طور معمول بر انباشت ثروت یا نفوذ سیاسی تمرکز می‌شود، اما تشخیص این امر بسیار مهم است که چنین قدرتی، به طور ضمنی، توانایی کنترل زمان و فضای خود و دیگران را شامل می‌شود (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۵۹-۱۶۳).

میشل فوکو تلاش کرد تا فضای بدن را به عنوان عنصری تقلیل‌ناپذیر به نظم‌های اجتماعی نمادین زمان و فضا مطرح کند. در قالب همین فضاهاست که اجتماعی شدن، سرکوب، حبس، انضباط و مجزات انجام می‌شود. دلمشغولی فوکو به ظهور نهادهای مدرن -درمانگاه، زندان، تیمارستان، مدرسه- به شدت در علاقه فکری او به شیوه‌های پساوشنگری کنترل اجتماعی تأثیرگذار بوده است. به گفته فوکو، انتقال هم‌زمان از سلطنت به حکومت پارلمانی و از فئودالیسم به جامعه صنعتی، چالش‌های جدیدی برای تحمیل نظم

اجتماعی بر جمعیت‌های گسترده ایجاد کرد. اگر در دوره‌های پیشین برای مطیع ساختن افراد به اجرای شکنجه در ملأ عام نیاز بود، در دوران مدرن برای کنترل و نظارت بر جمعیت‌های روزافزون شهرهای اروپا، روش‌های جدیدی برای برنامه‌ریزی‌های کلان، گردآوری اطلاعات و سازماندهی بوروکراتیک ابداع شد. سازوکارهایی از اعمال قدرت در رژیم مدرن، که به صورت سراسرین توانایی نظارت بر مدارس، کارخانه‌ها، زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها را دارد و همواره این احساس را به فرد القا می‌کند که در معرض دید است. نتیجه این زل زدن همه جانبه و از همه سو، خلق سوژه‌ای خودانضباط است. فردی که بدون تهدید به آسیب جسمی فوری یا حتی حضور مأمور دولت، به شیوه‌های تجویز شده اجتماع رفتار می‌کند (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۶۸-۱۶۹).

## ۹.۲ عصر پساها

فصل نهم با عنوان پساها (Posts)، به بحث درباره‌ی اندیشه‌های پسامدرن، پساساختارگرایی، پسا صنعتی، پسامینیست، پسااستعماری می‌پردازد. پسامدرن به عنوان سبکی خاص بر گسستگی، کنایه‌گویی، شوخ‌طبعی، انعطاف‌پذیری، بی‌تفاوتی، برساخته بودن واقعیت و ... تأکید می‌کند. در ادامه بحث، تلاش مس‌شود تمایز هنر مدرن و پست‌مدرن در رابطه با دوگانه‌های نظیر فرم‌گرا/ فرم‌گریز، تأکید بر غایت/ بازی، طرح/ تصادف، سلسله‌مراتب/ آشفتگی، فاصله‌گرفتن/ مشارکت، تمامیت‌بخشی/ ساخت‌زدایی، مرکزیت/ پراکندگی، عمق/ سطح و تعیین/ عدم تعیین مورد توجه قرار گیرد (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۸۳-۱۸۶).

پست‌مدرن‌ها معتقدند که همه کلیت‌ها و عام‌نگریه‌هایی نظیر سوژه، جامعه، حقوق بشر، حزب، دولت، و طبقه بر پایه گفتمان و نقاط ارجاعی مدرنیته بنیان نهاده شده‌اند و اینک برای تحلیل سرمایه‌داری غیر سازمان‌یافته مناسب نیستند و به جای آن فرهنگ جدید ابداع، فقدان اجماع، جستجوی تناقض‌ها، و قیاس‌ناپذیری ظهور یافته است (نظری، ۱۳۸۹: ۲۱۱).

تمایز ساختارگرایی و پساساختارگرایی دیگر دستور کار این فصل است. ساختارگرایی بر این پیش‌فرض اساسی مبتنی است که در پس هر پدیده دلالتگر، ساختاری نهفته است که عمل دلالت را ممکن می‌سازد و به نحوی بر آن حکم می‌راند. رسالت اصلی ما نیز کشف همین پدیده‌های بنیادین و ساختارهای پیچیده است. برای مثال، برای فهم یک کنش گفتاری، باید دستور زبان مشترکی وجود داشته باشد تا به کمک آن بتوان ترتیب واژه‌ها، الگوی جمله و جای فعل، فاعل، مفعول و ... را توضیح داد. در مقابل، پساساختارگراها با

نفی جهان‌شمول یا مطلق، بر این امر تأکید می‌ورزند که ساختارهای بنیادین معنا از جایی به جای دیگر متفاوت است (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۹۰-۱۹۱).

گفتمان پسااستعمارگرایی هم به عنوان یکی دیگر از محورهای بحث، این واقعیت را آشکار می‌کند که بسیاری از تعاریف ما از فرهنگ، تمدن و دستاوردهای هنری و نیز مفاهیمی نظیر استقلال سیاسی، توسعه اقتصادی و پیشرفت‌های مدرن ریشه در تاریخ استعمار و تصورات برآمده از آن در مورد وحشی‌گری، عقب‌ماندگی، استبداد و توسعه-نیافتگی دارد (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۱۶۸-۱۶۹). در این چارچوب، نظرات آلبرت ممی - روشنفکر ضداستعماری تونس - هومی بابا و بنیتا پری بیان می‌دارد که وجه مشخصه پسا استعماری آن است که تشکیلات آشکار آزادی وجود دارد ولی عدم آزادی به صورت پنهان در این دوره در جوامع استعمارزده استمرار دارد. این دوگانگی به دلیل تغییرات دیر پای و خاطرات گذشته در اذهان افراد باقی مانده و زائل نمی‌شود. به زعم این سه تحلیل‌گر که بیشتر دیدگاهی تقابلی بین استعمارگر و استعمارزده دارند، می‌بایست جامعه مورد تهاجم و مهاجم به نحوی روان شناختی مورد مذاقه قرار گیرد. آنها با اشاره به نظرات فروید و لکان بر این عقیده‌اند برای گذر از مرحله استعمار به پسا استعمار نیاز است که ذهن افراد جوامع مورد دقت قرار گرفته و بررسی شود. زیرا استعمار، علاوه بر ساختارها بر اذهان جوامع نیز نفوذ و تسلط می‌یابد و برای خروج از این وضعیت علاوه بر استقلال ظاهری، نیازمند به روانکاو و تغییر اذهان نیز می‌باشد. در این چارچوب، استعمارگری علاوه بر بدن‌ها، اذهان را نیز استعمار می‌کند و نیروهایی را در درون جوامع مستعمره رها می‌سازد تا اولویت‌های فرهنگی آنها را یک‌بار برای همیشه تغییر دهد. در این فرایند، استعمارگری به تعمیم مفهوم غرب مدرن، از موجودیتی جغرافیایی و زمانی به مقوله‌ای تبدیل می‌شود. بنابراین استعمارگری، به بیان ساده، نشانگر فرایندی تاریخی است که طی آن غرب به طرز نظام مند تلاش می‌کند تفاوت‌های فرهنگی و ارزش‌های غیر غربی را مسخ و انکار نماید (گاندی، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۸).

## ۱۰.۲ درک تفاوت‌ها

فصل دهم به بحث درباره تفاوت‌ها می‌پردازد. این که چگونه به واسطه تفاوت‌های نژادی، جنسیتی، قومیتی، طبقاتی و ... نوعی تفسیر و بازنمایی خاص در رسانه‌های جمعی، تاریخ و ادبیات ارائه می‌شود. این که امر زنانه و مردانه چیست؟ کارکردهای اجتماعی و اشکال

مقاومت متناسب به آنها و سیاست‌هی مرتبط با میل جنسی و بدن چگونه باید تحلیل شود؟ بالطبع این تفاوت‌های نژادی، جنسیتی و اقتصادی در شیوه‌های تفکر، عمل و خوانش ما تفاوت ایجاد می‌کند (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۲۱۷-۲۱۹). نویسندگان کتاب با نقد دیدگاه‌هایی که قائل به برساخته بودن تفاوت‌های جنسی هستند، معتقدند که این تفاوت‌ها آشکارا تفاوتی مادی است، به طور محض وجود دارد و برساخته جامعه یا یک انتزاع ایدئولوژیک واهی نیست (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۲۳۰).

## ۱۱.۲ زندگی روزمره

زندگی عنوان فصل یازدهم کتاب است که تأثیر و تأثر قدرت بر آن در قالب مفاهیمی نظیر زندگی روزمره، زندگی فی نفسه، زندگی ذهن، سبک زندگی، معنای زندگی و ... مورد توجه قرار می‌گیرد (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۲۶۱). جورجو آگامبن - فیلسوف ایتالیایی - با ارجاع به اندیشه ارسطو و تمایز قائل شدن میان حیات (Zoe) و زیست (Bios)، این ایده را مطرح می‌کند که حیات به معنای زندگی حیوانی و بیولوژیک برای رفع نیازهای اساسی است. در مقابل، زیست مربوط به زندگی سیاسی است که به طور کامل آزاد نیست و به شیوه‌های گوناگون توسط مقوله‌های اجتماعی گسترده‌تر (سن، جنس، طبقه، نژاد، قومیت، ملیت، ... ) محدود می‌شود (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۲۶۲).

تئودور آدورنو - فیلسوف آلمانی - نیز کتاب *اخلاق صغیر: تأملاتی در زندگی ویران* را با این جمله متناقض‌نما آغاز می‌کند که «زندگی، زنده نیست!» و به این امر اشاره دارد که کل زندگی در این برهه تاریخی، زندگی و زیست سیاسی است که تحت مجموعه‌ای از الزامات اجتماعی - سیاسی سازمان یافته است و تداوم می‌یابد. زندگی - با هر تعبیری و در هر بافت و زمینه خاص - همواره به طرز گریزناپذیری تابع عملکردهای بیرونی قدرت است. فوکو برای اشاره به این گونه روابط مادی که زندگی در قالب آنها متعین می‌شود، اصطلاح «زیست قدرت» را ارائه کرد. زیرا زندگی به موضوعی سیاسی و نوعی مفهوم متعارف ایدئولوژیک در جهان معاصر تبدیل شده است. بنابراین، مفهوم زیست قدرت نشان می‌دهد که شیوه‌ی اجتماعی قدرت در این برهه تاریخی بیش از آن که روی زندگی اعمال شوند، از طریق زندگی اعمال می‌شوند. شیوه‌های اجتماعی قدرت (از برنامه‌های دولتی گرفته تا کمپین‌های تبلیغاتی) مدام به این پدیده بی‌شکل موسوم به زندگی متوسل می‌شوند. قدرت معاصر در راستای انجام کارویژه اجتماعی خود، فهم و شکل خاصی از زندگی را

ترویج می‌کند و بیشتر بر محور شخص و زندگی‌اش به عنوان تبیین‌گر اعمال او می‌چرخد. بنابراین، زیست‌قدرت نه تنها در عرصه عمومی و اجتماعی حضور دارد، بلکه در زندگی جنسی، در روابط با دوستان، خانواده، بهداشت، حتی در رابطه با خود ما نیز جاری است (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۲۷۰-۲۷۲ و ۲۸۴).

## ۱۲.۲ طبیعت و فرهنگ

فصل دوازدهم، با عنوان طبیعت به بحث درباره مرز زندگی انسانی و غیر انسانی و فرهنگ و طبیعت می‌پردازد. طبیعت در تضاد با مفهوم فرهنگ، مبتنی بر وضعیت یا رخدادی فرازمانی و تغییرناپذیر، مبتنی بر «نظم طبیعی و دور از تمدن و انسانیت» و یا وحشی و بکر است. چنان که هابز با توصیف وضع طبیعی به عنوان وضعی از هم گسیخته، مسکنت‌بار، زشت، ددمشانه و پست توصیف می‌کند. در این میان، تقابل دوتایی طبیعت و فرهنگ به این سو می‌رود که طبیعت باید به خاطر تمدن و پیشرفت اجتماعی رام شود و طبقه‌بندی رفتارهای معین تحت عناوین «طبیعی» و «غیر طبیعی» کارکرد هنجارین بسیار نیرومندی دارد. در نتیجه، پیشرفت سریع و حیرت‌آور در علم و تکنولوژی که مشخصه عصر مدرن و پسامدرن است، موجب شده که انسان ظرفیت دگرگون‌سازی و به مخاطره انداختن زیست-بوم‌های زمین را دارد (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۲۸۹-۲۹۵).

## ۱۳.۲ مسئله کارگزار

عنوان فصل سیزدهم که واپسین فصل کتاب است، عاملیت می‌باشد که با این پرسش جدی آغاز می‌شود که با توجه به محدودیت‌هایی که در برابر سوپرتکنیویته‌های ما وجود دارد، چه کنش‌ها، عملکردهای قدرت‌هایی را می‌توان در یک تفسیر یا تحلیل به کار بست؟ عاملیت یا کارگزاری (Agency) به معنای قدرت انجام دادن کاری است و عنصر سازنده تاریخ است. هنگامی که می‌گوییم سوژه‌ها از عاملیت برخوردارند، بدین معناست که توانایی واکنش در برابر موقعیت‌های تاریخی و تغییر آنها را در فرایند دارند. در ادامه این فصل تلاش می‌شود با اتخاذ نگرشی میانه، هم بر اهمیت سوژه تأکید شود و هم نقش ساختارها مورد نظر قرار گیرد. چنان که به رغم تقلاهایی که برای نشان دادن نقش خلاقه خود داریم،

هیچ یک از ما هویت نژادی‌مان را انتخاب نکرده‌ایم و حتی نمی‌توانیم این موقعیت سوژه را به راحتی کنار بگذاریم یا نادیده بگیریم (نیلوم و سرلز ژيرو، ۱۳۹۶: ۳۱۹-۳۲۲).

### ۳. نقد و ارزیابی کتاب

#### ۱.۳ نقد شکلی

نسخه فارسی کتاب جعبه ابزار نظریه از نظر شکلی به نحوی مطلوب ارائه شده است. کیفیت چاپی و فنی اثر شامل: طرح جلد، حروف نگاری، صفحه‌آرایی، کیفیت چاپ، صحافی، قطع کتاب مناسب است و اغلاط چاپی کمی در آن وجود دارد. طراحی جلد که تصویر آن همان تصویر حک شده در نسخه انگلیسی آن است و صفحه‌آرایی و چاپ مناسب موجب شده که کمتر مشکلی از حیث شکلی در کتاب دیده شود. به نحوی که در زمره معدود آثاری است که بر اساس ویراستاری و نمونه‌خوانی دقیق، اغلاط تاپیی در آن راه نیافته است. تسلط مترجمین محترم به بحث و ارائه ترجمه‌ای دقیق و قابل فهم موجب شده که خوانندگان بتوانند بهره بیشتری از مباحث ارائه ببرند. اما برخی از عکس‌ها و تصاویر به دلایلی که بر همگان روشن است نظیر تفاوت‌های فرهنگی و عدم امکان درج تصاویر عریان در صفحات ۶۳ و ۲۶۰ نسخه اصلی، در نسخه فارسی کتاب نیامده است.

#### ۲.۳ نقد ماهوی

در مقدمه اثر یا در متن اثر استدلال روشنی برای این که چرا این مفاهیم و موضوعات به عنوان محورهای اصلی بحث در فصول مورد نظر قرار گرفته و چه پیوندی به لحاظ مفهومی یا نظری بین مباحث وجود دارد، ارائه نشده است. رویکرد اثر نیز بیش از آن که تحلیلی - انتقادی باشد، توصیفی - مروری است. ماهیت دایره‌المعارفی فصول و عدم تناسب بنیادین بین محتوای مباحث ارائه شده در فصول مختلف کتاب و پرداختن سطحی و شتابزده به برخی محورهای بحث نظیر ایدئولوژی و تاریخ و پساساختارگرایی، پست مدرنیسم و پساستعمارگرایی در مقایسه با سایر فصول شده است.

از این حیث، کتاب جعبه ابزار نظریه می‌تواند به عنوان کتابی مکمل برای آن دسته از علاقمندان مفاهیم و نظریه‌های سیاسی باشد که برخی مباحث و مطالب کتاب را به عنوان ایده‌هایی جدید و البته انضمامی مطالعه کنند. «وای اس. فینگ» (FingY.S.) در نقدی که در



Washington independent نوشت از این اثر، به عنوان کتاب درسی دانشگاهی (A college textbook)، یاد کرد و به آن را به عنوان مقدمه‌ای برای تفکر انتقادی و استدلالی دانست و نوشت: «اما این باعث می‌شود که برای کسانی که خارج از مدرسه هستند [دانشگاهی نیستند]، و تفاوت (یا شباهت آن) بین فوکو و دریدا، سوسور و بلوم را نمی‌دانند، چندان مفید نباشد» (Fing, 2011: 2).

در رابطه با درک اهمیت رسانه‌های جدید اجتماعی و نقش آنها در شکل‌گیری تحولات سیاسی - اجتماعی نیز باید یک مسئله مهم مورد نظر نویسنده قرار می‌گرفت. آیا این رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده در بروز تحولات سیاسی - اجتماعی دارند یا تقویت‌کننده؟ چنان که شواهد نشان می‌دهد که تحولات سیاسی در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ در کشورهایی نظیر تونس و مصر، بیش از آن که ناشی از رسانه‌های جدید اجتماعی نظیر فیس‌بوک یا تلگرام باشد، بازتاب خشمی است که در واکنش به سال‌ها دیکتاتوری بن‌علی و مبارک شکل گرفته بود. حسام الحمالوی، ژورنالیست و وبلاگ‌نویس مستقل و فعال اجتماعی مصری طی مصاحبه‌ای به این نکته اشاره می‌کند:

به خاطر داشته باشید که شما درباره یک ملت ۸۵ میلیونی صحبت می‌کنید که تنها ۲۰ میلیون از آنها به اینترنت دسترسی دارند. آن میلیون‌ها مصری که در کارخانه‌ها اعتصاب می‌کرده‌اند و آنها بودند که نهایتاً با اعتصاب توده‌ای شان در سه روز آخر مبارک را پایین کشیدند و به اعتصاب خود تا به امروز ادامه می‌دهند، بیشترین این کارگران در فیس‌بوک نیستند، بیشترین آنها در تویتر نیستند. بنابراین بگذارید درباره اهمیت و نقش رسانه‌های اجتماعی اغراق نکنیم (نظری و قلی پور، ۱۳۹۷: ۱۶۴).

برخی از مباحث کتاب نظیر این پرسش که «جهنم کجاست؟» بیشتر کتاب را شبیه آثار عامه‌پسند می‌کند. هر چند مباحث ارائه شده در ادامه برای درکی بهتر به خواننده، دیدی توصیفی در رابطه با مفاهیمی نظیر اقتدار، مؤلف، فرهنگ، ایدئولوژی، زمان و مکان ارائه می‌کند. نکته بسیار مهم بعدی این است که نویسندگان رویکردی شک‌گرایانه (skepticism) دارند و چنان که در قانون شماره ۱ نظریه بیان کرده‌اند «همه چیز مشکوک است». هر چند در این زمینه، کمتر نویسندگان کتاب می‌کوشند با شک در ایده‌ها و گزاره‌های پذیرفته شده موجود، گامی جسورانه بردارند. از این‌رو، در این اثر دیدگاه‌های سوسور، دریدا و فوکو مورد توجه قرار می‌گیرد، بی آن که مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند و یا حتی با هم مقایسه شوند یا سیر تحول درونی نظام فکری هر یک از این متفکران مورد توجه قرار گیرد. چنان

که فوکویی که در این کتاب معرفی می‌شود، بیشتر برپایه تفاسیر رایج و آثار او تا میانه دهه ۱۹۷۰ است. بی‌آن که به تحولات فکری فوکو پس از ۱۹۷۸ در باب سوژه و پرورش خود و یا تاریخ چنسیست مورد نظر قرار گیرد. فوکو در سه جلسه پرسش و پاسخ فوکو در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی (۱۹۸۳) تلاش می‌کند تا هستی‌شناسی تاریخی خود با تأمل در مورد یونان و روم باستان به عنوان نقطه عزیمت این انگاره و سپس عصر روشن‌نگری آشکار کند. در این سخنرانی، فوکو می‌کوشد تا درون‌مایه «پرورش خود» را به منزله پرسشی فلسفی و تاریخی مورد توجه قرار دهد. به این معنا که هدف اصلی در پاسخ به این پرسش که «اکنون چیستیم؟»، نه بیان این که «موجود اندیشنده چیست؟»، بلکه این مطلب است که «چگونه تاریخ اندیشه‌ی مان - منظوم نسبت‌مان با حقیقت، با تکالیف، با خویش‌مان و با دیگران است - از ما آن چه هستیم را می‌سازد؟» (فوکو، ۱۳۹۷: ۱۱۸). در پژوهش‌های تبارشناختی فوکو در مورد روابط سوژه، قدرت و حقیقت،

تکنیک‌های خود» نقشی محوری دارد. تکنیک‌هایی «که به افراد این امکان را می‌دهد شماری از عملیات را خودشان یا به کمک دیگران روی بدن، روح، اندیشه و رفتارشان اعمال کنند و این کار به گونه‌ای است که خودشان را دگرگون کنند و جرح و تعدیل کنند و به وضعیتی از کمال، سعادت، پاکی و قدرت ملکوتی و غیره برسند (فوکو، ۱۳۹۵: ۵۶).

به طور کلی، محتوای کتاب جعبه ابزار نظریه بیش از هر چیز توصیفی و درون‌مرزهای موجود نظری- مفهومی است. از این رو، مفهوم‌پردازی‌های جدیدی ارائه نشده و بی‌آن که گامی برای ورود به وادی‌های جدید نظری- مفهومی برداشته شود، به بیان امر موجود و توصیف ابعاد کلی در رابطه با مفاهیمی نظیر سوژه، فرهنگ و ایدئولوژی بسنده شده است. در پایان اثر نیز نتیجه‌گیری ارائه نشده است و نمی‌توان دریافت که دیدگاه نهایی نویسندگان در باب مفاهیم مطرح شده به گشودن کدام چشم‌انداز تحلیلی می‌انجامد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

۱. مباحث مطرح شده در کتاب نسبتاً جدید است که در سال ۲۰۱۲ به زبان انگلیسی منتشر شده است. این اثر با تمرکز بر درک مفاهیم اساسی تلاش دارد تا به ما کمک کند که چگونه می‌توان آن‌ها را در نوشتن و تفکر در مورد فرهنگ و جامعه به کار گرفت. نکته بسیار مهم

در این زمینه، توجه به وجه انضمامی و عملی نظریه است. به نحوی که مباحث ارائه شده در رابطه با پیوند نظر و عمل می‌تواند تجربه ارزشمندی برای درک جایگاه نظریه در فضای عملی اجتماع و سیاست و فهم مسائل مهم زندگی روزمره باشد. بسیاری از مطالب و مباحث ارائه شده در این اثر می‌تواند اثری مقدماتی برای استادان و دانشجویان علاقمند به حوزه مفاهیم و نظریه‌های علوم انسانی باشد.

۲. آن چه بیش از همه در این کتاب با اهمیت است، رویکرد انضمامی نویسندگان و تلاش برای درکی عینی و روشن از مفاهیم و نظریه‌های سیاسی و فرهنگی است. همین امر موجب شد در فروشگاه دنبال کنندگان صفحه نیویورک تایمز (followers of The New York Times) در لیست پرفروش‌ها (bestseller list) قرار گیرد. این اثر، مجموعه‌ای موجز و مختصر از بسیاری از متفکران بزرگ و اثرگذار در چهل سال گذشته است. به طور محتمل، کتاب می‌تواند به عنوان درآمدی برای تفکر و استدلال انتقادی در اختیار دانشجویان قرار گیرد و بخش‌های پایانی آن حاوی اطلاعاتی مفید درباره بسیاری از مفاهیم اواخر قرن بیستم نظیر مؤلف/ اقتدار، نحوه خوانش متون، ذهنیت، فرهنگ، ایدئولوژی و تاریخ است (Fing, 2011).

## کتاب‌نامه

- احمدی، حمید (۱۳۸۴). "هویت ملی ایرانیان در گستره تاریخ". در: صنیع اجلال، مریم. *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه.
- فوکو، میشل (۱۳۹۵). *خاستگاه هرمنوتیک خود*. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی.
- فوکو، میشل (۱۳۹۷). *تقد چیست؟ و پرورش خود*. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی.
- گاندی، لپلا (۱۳۸۸). *پسا استعمارگرایی*. ترجمه مریم عالم‌زاده و همایون کاکا سلطانی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- گیلیس، دانالد (۱۳۹۰). *فلسفه علم در قرن بیستم*. ترجمه حسن میان‌داری. چاپ چهارم. تهران: سمت.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۷). *روش پژوهش و نگارش علمی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نظری، علی‌اشرف و سازمند، بهاره (۱۳۸۵). *گفتمان، هویت و انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- نظری، علی اشرف (۱۳۸۸). «پست مدرنیسم و بازاندیشی در امر سیاسی». *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*. ش ۱۷. تابستان: ۱۹۵-۲۱۹.
- نظری، علی اشرف و قلی پور، مجتبی (۱۳۹۷). رسانه‌های جدید اجتماعی و نقش آنها در بازنمایی کنش‌های جمعی: تحلیل واقع‌بینانه انقلاب مصر. *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان: ۱۴۷-۱۷۴.
- نیلوم، جفری و سرلز ژیرو، سوزان (۱۳۹۶). *جعبه ابزار نظریه: مفاهیم اساسی در علوم انسانی، علوم اجتماعی و هنر*. ترجمه عباس لطفی‌زاده و مرتضی خوش‌آمدی. تهران: انتشارت ققنوس.

Calhoun, Craig (ed). *Social Theory and the Politics of Identity*. London: Blackwell. 1998.

Fass, Diana (1995). *Identification Papers*. London. Routledge.

Fing, Y.S (2011), *The Theory Toolbox*, *Washington independent*, August 18, 2011, available at: <http://www.washingtonindependentreviewofbooks.com/index.php/bookreview/the-theory-toolbox>, last visited: 8/8/2020

Neufeld, Mark (1991). *The Reflexive Turn and International Relations Theory*. York University: Centre for International and Strategic Studies. January: 1-20.

Jeffrey T. Nealon. <http://english.la.psu.edu/faculty-staff/jxn8>, last visited: 2/6/2019.

Susan Searls Giroux, <https://english.humanities.mcmaster.ca/people/susan-searls-giroux/>, last visited: 2/6/2019.

Nealon, Jeffrey & Rowman Giroux, Susan Searls (Thomas) (2012). *The Theory Toolbox Critical Concepts for the Humanities, Arts, & Social Sciences* & Little field Publishers, Inc.